

مواردی در اظهار نظر آقای

ترامپ نسبت به فاجعه

کالیفرنیا

امیر فیض- حقوقدان

نفرت و علت نفرت

بیانیه ای که روز دوشنبه از جانب آقای دانالد ترامپ^۱ کانديد جمهوريخواه برای ریاست جمهوری آمریکا درباره فاجعه کالیفرنیا انتشار یافته حاوی مطلب مهمی است که شایسته تخصیص تحریری به آن میباشد.



در بیانیه آمده است: داده های نظرسنجی مانند مرکز سیاست امنیتی آمریکا نشان میدهد که شمار قابل توجهی از مسلمانان احساسات آمیخته به نفرت از آمریکا دارند.

او گفت بدون مشاهده، داده های نظرسنجی ها بر همگان روشن است که این نفرت و رای فهم است اینکه این نفرت از کجا میآید و چرا میآید، باید مشخص شود.

او افزود؛ تازمانی که ما نتوانسته ایم این مشکل و خطرات ناشی از آن را تعریف و درک کنیم کشور ما نمیتواند قربانی حملات هولناک کسانی باشد که فقط به جهاد اعتقاد دارند و از عقلانیت و حرمت به جان افراد دور هستند.

بنظر میرسد که بیانیه به دو موضوع بسیار مهم کلیدی که تاکنون کمتر از مقامات رسمی آمریکا به آن توجه کرده اند پرداخته است آن اینهاست:

✳️ شرکت درکنجاوی نفرت مسلمانان از آمریکا

✳️ نفرت مسلمانان از کجا میاید ؟

پاسخ آن روشن است از فلسفه اسلام که هیچ دینی را بغیر از اسلام قبول ندارد و غیرمسلمانان را مستحق حیات و زندگی نمیشناسد مگر با رعایت شرائطی خاص و نیز تحت عنوان تکلیف اسلامی جهاد، قلع و قمع آنها را به حکم آورده است.

پس پاسخ پرسش اول بیانیه آقای ترامپ روشن است که اقدامات تروریستی که سبب نفرت از غیر مسلمانان میشود از مخرج دین اسلام و کتاب آسمانی آن دین است و از جای خاصی و یا کشوری نمیآید.

چرا این نفرت میآید

در همان کتاب آسمانی مسلمانان که حکم کشتار و قلع و قمع کفار و همچنین اسارت زن و فرزندان آنان را داده یک شرط هم گذاشته شده و آن اینکه **اگر کفار به سر زمین مسلمانان و حقوق آنها تجاوز نکنند و مسلمانان راز سرزمینشان بیرون نکنند رعایت صلح و سازش بین آنها و کفار لازم است.** یعنی اگر کفار به کار مسلمانان کاری نداشته باشند مسلمانان هم تکلیفی در آزار و یا کشتار آنها نخواهند داشت.

مفهوم مخالف این صراحت قرآنی این است که اگر کفار اسباب زحمت مسلمانان شدند و خواستند عقاید و رفتار و منشها و قوانین خود را در سرزمین های مسلمانان به جریان بیاورند و یا موجباتی فراهم کردند که مسلمانان ناچار شدند که کشورشان را ترک کنند (سوریه و عراق و افغانستان) و یا بر کشورهای مسلمان سلطه اقتصادی، سیاسی و نظامی پیدا کنند بر همه مسلمانان جهاد علیه کفار لازم است.

از آنجا که بیانیه دعوت کرده و میخواهد بداند که چرا این نفرت مسلمانان نسبت به آمریکا و اروپائیان بوجود آمده این تحریر هم خود را مقید به ورود به میدان بررسی آن چرا دانست.

جریان تحقیق و بررسی نشان میدهد که نفرت مسلمانان از خارجیان درست همزمان بوده با دخالت اروپائیان و اکنون آمریکائی ها در امور زندگی و اجتماعی و سیاسی و اداری کشورهای مسلمان (تاریخ جهان شاهد این مدعا ست - و شاهد زنده مداخله آمریکا و کشورهای انگلستان و فرانسه و آلمان در کشورهای مسلمان شاهنشاهی ایران است)^۲

بررسی دیگری نشان از این حقیقت دارد که مسلمانان جهان به ندرت به احکام اسلامی عمل میکنند تاچه رسد به احکام جهاد که بسیار سخت و مستلزم جانبازی و فداکاری است، بنابراین نمیتوان گفت که احکام جهاد عامل اصلی نفرت بین مسلمانان و غربی هاست بلکه باید علت اصلی نفرت چیز دیگری باشد که این تحریر سعی در ارائه آن خواهد کرد.

هر انسانی به محیط زندگی و باورها و کیفیت تغذیه و معاشرت و سایر عوامل سازنده حیات عادت خاصی دارد که متناسب با محیط و زمان طولانی، و قرون متمادی سبب ساخت آن شده است؛ جدا کردن انسان ها از آن محیط و یا تحمیل باورها و فرهنگ و بطور کلی شیوه زندگی با مقاومت انسان ها روبرو میشود و این مقاومت و بی میلی کم، کم بصورت نفرت درمیآید و در صورتی که محیط مساعدی پیدا کند از قوه به فعل درمیآید و بصورت آدم انتحاری عمل خواهد کرد (قرآن هم به مسلمانان هدایت کرده که تا فرماندهی و امکانات نبرد با کفار را ندرید وارد عمل نشوید).

۲ - شارل مارتل یا شارل چکش کاخ سالار و دوک فرانکها بود که کنترل سرزمینهای فرانکها را در هر سه بخش اوسترازا، نوستریا و بورگندی را دارا بود نخستین بار در تاریخ، در سال ۷۳۲ ترسایی با شکست مسلمانانی که در ایبریا پیشروی نموده بودند، رهایی دهنده اروپا شناخته شده است. شکستی که او به مسلمانان داد مرزهای فرانکها را در اروپای غربی از تاخت و تاز ایشان و گسترش اسلام آسوده ساخت. او که فرماندهی زیرک و خوش اندیشه بود، نماد یک قهرمان در دوران تاریک شمرده می شد. این جنگ در تور فرانسه رخ داده و به جنگ تور شهرت دارد. ح-ک

یکی از فرماندهان ارشد آمریکا در عراق در یک مصاحبه گفت: «خشونت، آرامش می‌آورد» آری خشونت، سبب از بین رفتن خشونت دیده میشود و ممکن است به مرگ او هم منتهی گردد ولی نفرت از عمل خشونت همچنان باقی میماند.

نفرت یک امرمادی نیست که محسوس باشد و بتوان دید و آنرا زندانی ساخت؛ نفرت مانند یک توده انفجاری است که وقتی منفجر شد معلوم میشود که انفجارناشی از مواد انفجاری بوده است.

غرب بویژه آمریکا ادعا دارند که هرچه آنها دارند از شیوه زندگی و تغذیه و معاشرت و کشور داری و انسان مداری بهترین است و همچنین خواستار آنند تا همه آن شیوه ها رابه کشورهای دیگر از جمله اسلامی صادرکنند (درست عقیده ای که جمهوری اسلامی در قانون اساسی خودش پیاده کرده است) مردم کشورهای جهان بمناسبت فرهنگ خاص کشورشان و آموزش و پرورش و نحوه کشورداری نمیتوانند متحمل برنامه های هماهنگی آمریکا در کشورشان بشوند؛ و حالت مقاومت و درنهایت نفرت متوجه آمریکا و غرب میگردد.

درخبرها آمده است که در هندوستان یک مرد بغلت خوردن گوشت گاو محاکمه میشود، حال فرض کنید که هند بخواهد که فرهنگ زندگی مردم هند رابه مردم آمریکا تحمیل کند و از جمله این که گوشت گاو نخورند؛ آیا دشوار است مقاومت مردم آمریکا و نفرت حاصله از عمل هند در مردم آمریکا را ارزیابی کرد؟

جریان تحمیل فرهنگ غربی ها به کشورهای مسلمان جهان تنها به غذا و حقوق مدنی و آزادی ها و کشورداری و غیره محدود نمیشود و تاریخ سیاسی نشان میدهد که صدور فرهنگ آمریکائی و غرب مقدمه نفوذ سیاسی و اقتصادی و پایگاه های نظامی است به همین دلیل است که دامنه نفرت به آمریکا محدود به مسلمانان قشری نیست، و نمیتوان آزدگی و نفرت روشنفکران را از دخالت آمریکا در امور کشورشان نادیده گرفت.

جزء وکل این تحولات بطور طبیعی نفرت سازاست. آقای پارسونز سفیر انگلستان در جریان شورش ۵۷ در طرفداری از شورش در کتابش علت شورش را اینطور بیان کرده است که شاه میخواست زندگی سنتی مردم ایران را به زندگی مدرن تبدیل کند و تلویزیون رنگی به آنها میداد درحالیکه مردم همان زندگی سنتی را میخواستند.

تحمیل کیفیت زندگی به مردم و حتی حیوانات هم تحمل پذیر نیست و سبب نفرت مرد میگردد. یک حیوان که به زندگی جنگلی عادت کرده اگر بهترین خوردنی ها و مسکن را برایش در محیطی که به آن عادت ندارد فراهم کنید رنجور و متالم است و در اولین فرصت بشما صدمه ای هم میزند و فرار میکند.

در بیانیه مورد بحث، مسلمانان به دور از عقلانیت و اقداماتشان در جهت ابراز نفرت، و رای فهم منظور شده اند، قیاس مع الفارغ بیانیه این تشبیه را مجاز میسازد که همانطور که به حیوانات درنده و گزنده اگر کاری نداشته باشیم آنها هم گرسنه نباشند کار به انسان ندارند مسلمانان هم که به ادعای بیانیه و رای فهم و عقل اقدام میکنند اگر کشورهای دیگر و مردم آن با مسلمانان کار و آزاری نداشته باشند از تعرض ناشی از عدم فهم و عقل مصون خواهند بود.

هر انسانی در مقابل آزار و شکنجه و تجاوز به حقتش واکنش نشان میدهد حیوان هم همین حالت را دارد.

چرا آمریکایی ها این قاعده عقلانی و بشری را در معادله تروریسم اسلامی منظور نمی‌دارند؛ آیا کم به مسلمانان عراق و افغانستان و سایر کشورها لطمات جانی و مالی وارد ساخته اند؟ گفته میشود که در عراق ۵۰۰ هزار کودک و یک میلیون از مردم آن کشور از بین رفته و سه میلیون آواره شده ند، آیا آمریکا یا انگلستان تحمل یک صدم این ضایعه را برای مردم خودشان دارند؟ خوب این وقایع محرک نفرت است بسیاری بانفرت زندگی میکنند وقلیلی هم نفرت آنها را به اعمالی که میتواند خروش نفرت را در وجود آنها مسکن شود دست میزنند.^۳

این بسیارمهم و غیرعادی است که کسی با انفجار خود سبب زیان دیگران شود این حالتی است که ناشی از انباشته شدن نفرت پدید میآید.

ایرانیها یک ضرب المثلی دارند میگویند یک سوزن به خودت بزن و یک جوال دوزبه دیگران. مقصود این است تا بدانی که جوال دوز زن به دیگران چه دردی دارد. آمریکایی ها و اروپائیان انتظار دارند که مرتبا به کشورهای مسلمان و غیرمسلمان ضعیف جوال دوز فروکنند و نها صدایشان درنیآید.

راه کار چیست

غرب و بیشتر آمریکا بهیچوجه مترصد و متوجه این مشکل نیستند که دخالت آنها بهر عنوان در کشورهای دیگر علت اغتشاشات جهانی و تروریسم و نابسامانی و امنیت عمومی است، بکه ترصد آنها در این جریان است که ازنا آرامی ها و اغتشاشاتی که خودشان مسبب آن هستند بهره برداری های سیاسی کنند و این موضوع چیزی نیست که از دید مردم امروزه جهان مخفی باشد و لاجرم لایه های نفرت عمومی را متشکل میسازد.

فلسفه اسلامی بمناسبت دگم و سنگ بودن بازمان، قابل مقاومت در مقابل سیرکونونی جوامع بشری نیست و بطور طبیعی سیرنزولی خود را انتخاب خواهد کرد که کرده است، دخالت خارجی در امورکشورها خاصه مسلمانان عامل اصلی برای توقف این بازدارندگی و توقف فلسفه اسلامی میشود و ناسیونالیسم ملی را درکنار اسلام گریان افراطی که نسبت به مداخله آمریکا حساسیت بهانه مابانه ای دارد قرار میدهد و انوقت است که نفرت نسبت به آمریکا درکنار جنبه اسلامی از مراتب حقانیت ناسیونالیسم هم بهره مند خواهد شد.

درمان گرفتاری کنونی جهان اعم از اغتشاشات داخلی و یا بحران های تروریسم با تجدید نظر در سیاست توسعه و تحمیل فرهنگ اداری و حقوقی و اجتماعی غرب به کشورهای جهان سوم بطور حتم فروکش خواهد کرد در غیر اینصورت بموازات ادامه سیاست مداخله در امورکشورها باید انتظار توسعه و گسترش عمومی تروریسم راهم داشت.

امید وارم این تحریر به استحضار کسانی که بر سیاست مداخله آمریکا در امورکشورمان سماجت متوالی دارند برسد.

^۳ - شاید بتوان به رقابت آمریکا و انگلستان برای بدست آوردن اقتدار و کنترل خلیج پارس و اقیانوس هند و کنترل نفت کشور های عربی و ایران نگاهی استراتژیک انداخت. انگلستان همواره خود را مظلوم و دوست آمریکا معرفی میکند با تحمیل خمینی به جیمی کارتر و بیرون کشیدن عول بی شاخ و دم مسلمانان از شیشه آغار تروریسم بوده و بجای اینکه خودش با آمریکا در بیافتد تا منافع خود را در خلیج پارس و کشورهای نفت خیز منطقه محفوظ بدارد تروریسم اسلامی را به جان دیگر کشورهای غربی انداخته است. فکری است استراتژیک و در بازی روی صحنه هم با چیدمان مهره های این صحنه شطرنج همخوانی دارد. ح-ک